آسیب شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی

پدید آورنده : صادق لیراوی ، صفحه 23

1. کاهش ارزش دین در جامعه

از آن جایی که دشمن می داند دین نیروی محرک انقلاب در همه زمینه هاست، از هر سو برای تضعیف و نابودی آن اقدام می کند. دشمن در این زمینه می کوشد ارزش دین و معارف دینی را که از سرچشمه وحی جریان می یابد، از ریشه و اساس در نظر مردم زیر سؤال ببرد و تا آن جا که ممکن است از ارج و منزلت آن بکاهد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز عده ای با کوشش در جهت بشری کردن معارف دینی و زیر سؤال بردن عصمت پیامبران و ائمه «علیهم السلام»، خواه ناخواه از ارزش و منزلت دین و تأثیر آن می کاهند که عملاً کمکی خواهد بود به همان خط سیر جهانی دشمن. امروزه طرفداران این اندیشه، همه گزاره های دینی را مورد تردید قرار داده و نسبت به انجام فرایض و تکالیف دینی سهل انگاری می کنند و بی بند و باری و بی مسئولیتی را شیوه زندگی خود قرار داده اند.

2. تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی یعنی تلاش سازماندهی شده و خزنده دشمن برای نابودی عقبه فرهنگی و اعتقادی انقلاب و دور کردن جامعه به ویژه نسل جوان از تعصبات اصولی، دینی و انقلابی.

الف) ویژگی های تهاجم فرهنگی

1. دیرپا و دراز مدت بودن: چون فرهنگ دیرپاست، جنگ فرهنگی نیز دیر اثر می کند.

2. ریشه ای و عمیق بودن: چون کار فرهنگی، اساسی و زیر بنایی است، تهاجم فرهنگی نیز به صورت زیربنایی تحقق می یابد؛ زیرا هرگاه فرهنگ حاکم بر یک فرد یا جامعه تغییر کند، موجب تغییر کیفی در همه ابعاد زندگی و رفتار آن خواهد شد. در واقع مجموعه معیارها، ارزش ها و افعال فرد و جامعه دگرگون می شود. بنابراین خسارات ناشی از تهاجم فرهنگی به سادگی قابل جبران و بازسازی نخواهد بود.

3. آرام و بی سروصدا بودن: تهاجم فرهنگی بر خلاف جنگ های نظامی و اقتصادی به صورت آرام و بی سروصدا صورت می گیرد. بر همین اساس تشخیص آن برای ملت ها و حتی خواص بسیار دشوار خواهد بود.

ب) اهداف تهاجم فرهنگی

تحول صنعتی در غرب و نیاز روزافزون به مواد اولیه، منابع معدنی، نفت، تجارت جهانی، بازار مصرف و نیروی کار ارزان، استعمارگران غربی را واداشته است به کشورهای جهان سوم چشم طمع بدوزند. پیداست که فرهنگ اسلام، با هر گونه سلطه و نفوذ کفار بر مسلمانان مخالف است. بنابراین استعمارگران به تهاجم فرهنگی علیه جهان اسلام پرداخته اند تا روحیه مقاومت و تأثیرگذاری را از مسلمانان سلب کنند. چارلز ترولین طرّاح فرهنگ و آموزش انگلیسی در هند می نویسد:

«اسلام دارای مقاومت زیادی است و تسخیر آن دشوار است. با وجود این، جوانانی که دارای آموزش و پرورش انگلیسی هستند کاملاً از جوانان مسلمانی که دارای فرهنگ و آموزش اسلامی هستند، متفاوت می باشند.»

ج) محورهای تهاجم فرهنگی

محورهای تهاجم فرهنگی عبارت است از: ترویج فساد و فحشا (ابتذال اخلاقی)، اعتیاد به الکل و مواد مخدر و ترویج فرهنگ تجمل گرایی و مصرف زدگی در بین اقشار جامعه...

استعمارگران برای رسیدن به اهداف خود از مراکز فرهنگی، دولت ها، بنیادهای علمی، مدارس، دانشگاه ها، رسانه های جمعی، فیلم های ویدیویی، چاپ و نشر کتب انحرافی و... کمک می گیرند.

د) راه های مقابله با تهاجم فرهنگی

گرچه تهاجم فرهنگی غرب در زمان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی به خاطر شرایط موجود و آگاهی مردم رشد ضعیفی داشت، اما پس از جنگ نمود بیشتری یافته و متأسفانه در مواردی آثار و نتایج منفی آن کاملاً مشهود است. به هر تقدیر مقابله با آن بر همه دولت مردان و مردم واجب است. در زیر برخی شیوه های کاربردی مقابله با تهاجم فرهنگی بیان می شود:

1. احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اقامه نماز به صورت همگانی و جدی؛

2. تبلیغ فرهنگ ناب اسلامی و فرهنگ اصیل ایرانی، و ترویج و تشویق جوانان به ازدواج و تسهیل آن از طریق کمک های مالی دولت، و تعدیل مراسم و مخارج خانمان برانداز جشن های ازدواج؛

3. ترویج فرهنگ بسیجی و روحیه ایثار، زهد، قناعت و پایین آوردن توقعات مردم؛

4. تبلیغ و تشویق فرهنگ کتاب خوانی با حمایت دولت و پر کردن مناسب اوقات فراغت جوانان.

3. جدایی دین از سیاست

از جمله آفاتی که برای انقلاب اسلامی وجود دارد، القای تفکر جدایی دین از سیاست است. چون پایه و اساس انقلاب اسلامی، مکتب اسلام است، دشمنان نیز این شبهه را القا می کنند که دین از سیاست جداست و هر یک زمینه فعالیت خاص خود را دارد. طرفداران نظریه جدایی، دلیل خود را این گونه بیان می کنند:

شکی نیست که بشر به دین احتیاج دارد، اما این نیازمندی در چه حد و اندازه ای است؟ دو فرض برای این سؤال متصوّر است. فرض اول این است که بگوییم انسان در همه چیز و در همه امور زندگی، چه دنیوی و اخروی، به دین احتیاج دارد. فرض دوم این است که بگوییم دین تنها در قلمرو محدودی دخالت می کند و آن مربوط به آخرت و رابطه انسان با خداست، اما در مورد مسائل دنیوی مانند حکومت و طریقه زندگی کردن و اقتصاد و... دین ادعایی ندارد. بعد از ملاحظه متون دینی می بینیم که فرض دوم صحیح است؛ زیرا دین تمام احتیاجات آدمی را در زندگی بیان نکرده است. بنابراین باید گفت دین فقط در اموری که راجع به آخرت است دخالت می کند و در واقع انتظار ما از دین باید حداقلی باشد نه حداکثری.

در پاسخ به این عده باید گفت: این که نیازمندی به دین تا چه اندازه ای است، دو گزینه ندارد، بلکه گزینه سومی نیز دارد و آن این که ما از دین انتظار نداریم که همه چیز را بیان کند. بسیاری از مسائل را باید حوزه علوم غیر دینی پاسخ بگوید، اما در عین حال همه آن مسائل به نوعی در قلمرو دین نیز قرار می گیرند و آن هنگامی است که رنگ ارزشی به خود گیرند. وقتی ما زندگی دنیا را با زندگی آخرت پیوسته دیدیم و معتقد شدیم که مجموعه رفتارها و اعمال انسان در تکامل و یا انحطاط او نقش دارند، آنگاه این رفتارها رنگ ارزشی به خود می گیرند. به بیان دیگر، دین، حلال و حرامِ افعال را بیان می کند نه کیفیت انجام آن ها را. پس با توجه به این که اداره شئون جامعه، ارتباط تنگاتنگی با سعادت یا شقاوت انسان ها دارد، بنابراین اسلام نمی تواند در این مورد، دستورات و صبغه ارزشی برای آن ها نداشته باشد.

امام راحل «ره» در باب شعار استعماری جدایی دین از سیاست می فرماید:

«شعار سیاست از دین جداست» از تبلیغات استعماری است که می خواهند ملت های مسلمان را از دخالت در سرنوشت خویش باز دارند. در احکام مقدس اسلام، بیش از امور عبادی، در امور سیاسی و اجتماعی بحث شده است. روش پیامبر اسلام نسبت به امور داخلی مسلمین و امور خارجی آن ها نشان می دهد که یکی از مسئولیت های بزرگ شخص رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» مبارزات سیاسی آن حضرت است.»

4. جدایی حوزه و دانشگاه

وحدت حوزه و دانشگاه از اولین مسائلی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی کانون توجه نظام قرار گرفت، و حوزه و دانشگاه به عنوان پایگاه اصلی انقلاب فرهنگی مد نظر قرار گرفتند. بقای انقلاب اسلامی و تحقق اهداف بلند آن به این وحدت وابسته است. جدایی حوزه و دانشگاه از اموری بوده است که قبل از انقلاب اسلامی، تبلیغات فراوانی از سوی رژیم طاغوت برای آن می شد و تا اندازه ای هم در آن موفق بودند. در اوایل انقلاب، این دو مرکز مهم تصمیم به وحدت گرفتند و در نتیجه، در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی نقش به سزایی داشتند. این وحدت در استمرار انقلاب نیز نقش مهمی ایفا می کند؛ زیرا دانشگاه مهد علم و تمدن جدید است و حوزه، محل معنویت و اخلاق و خداشناسی است و هیچ یک به تنهایی قادر به تعالی بخشیدن انسان نیستند. تخصص بدون دیانت همان قدر زیان آور است که دیانت بدون تخصص.

امروز نیز دست ها و قلم هایی سعی دارند تا وحدت این دو مرکز را مخدوش کنند. برای حاکم شدن روح وحدت در حوزه و دانشگاه، علاوه بر تغییراتی که باید در شکل و اسلوب آموزشی این دو نهاد صورت گیرد، باید به فکر اصلاح، پالایش و بازنویسی علوم و متون آموزشی این دو نهاد به ویژه علوم انسانی دانشگاه ها بود؛ زیرا تا زمانی که منطق تجربی و گرایش های مادی گرایانه بر فضای علمی دانشگاه ها حاکم است و تا هنگامی که نظریات اومانیستی که انسان را موجودی تک بعدی معرفی می کند بر تحلیل ها و نظرات، حاکم است و از اصول وحیانی و ارزش های اسلامی، چندان خبری نیست و تا زمانی که حوزه از دنیای امروز و پیشرفت های علمی به دور است، و عنصر زمان و مکان را در برداشت های خود به کار نمی گیرد، حوزه و دانشگاه در اوج جدایی و افتراق خواهند بود؛ اگر چه به ظاهر وحدت داشته باشند و شعارهای زیبا و پر زرق و برق بدهند.

5. ایجاد بدبینی و القای روحیه یأس نسبت به انقلاب

رکن اساسی انقلاب مردمند، از آفات انقلاب، ایجاد بدبینی و یأس در مردم است؛ زیرا کسی که به چیزی امید نداشته باشد، حاضر به فداکاری و ایثار در راه آن نخواهد بود. دشمن با بزرگ نمایی مشکلات اقتصادی می خواهد دستاوردهای اقتصادی انقلاب را زیر سؤال ببرد، و در این حال عوامل داخلی نیز آگاهانه یا نا آگاهانه، با احتکار، گرانفروشی، شایعه پراکنی، اسراف و... به این خواست دشمن کمک می کنند.

بدخواهان انقلاب با تشکیک و ایجاد شبهه تلاش می کنند نسل جوان را به نیروهای انقلاب بدبین کنند. در بعد سیاسی نیز حمایت ایران اسلامی را از مردم فلسطین، عامل مشکلات اقتصادی و عدم توسعه کشور معرفی می کنند و آن را به ضرر ملت ایران می دانند. شایسته است رسانه های جمعی، در برابر این تبلیغات، که توسط رادیوهای خارجی و نوشته های مسموم نویسندگان داخلی صورت می گیرد، به نحو مناسب، دستاوردهای انقلاب را بازگو نمایند.

6. ترک امر به معروف و نهی از منکر

دو اصل امر به معروف و نهی از منکر از اصول عملی و فروع دین هستند که در قرآن و سنت مورد تأکید واقع شده اند. در قرآن کریم آمده است: «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنان همان رستگارانند.»

حضرت امیر مؤمنان «علیه السلام» نیز در این باره می فرماید:

«قوام و پایداری شریعت به امر به معروف و نهی از منکر و برپا داشتن حدود الهی است.»

انقلاب اسلامی ایران نیز بر این دو اصل مبتنی است. بنابراین سستی در این وظیفه همگانی نتیجه ای جز شکست انقلاب در بر نخواهد داشت.

متأسفانه در سال های اخیر با ترویج تساهل و تسامح و کم اهمیت جلوه دادن این اصل اساسی در بین مردم، آنان را نسبت به مبارزه با مظاهر فساد و فحشا بی تفاوت ساخته اند. البته به یقین، میان امر به معروف و نهی از منکر از یک سو و نرمی و تسامح از سوی دیگر منافاتی وجود ندارد، و هر دو از اصول اسلام است، اما دوستان ناآگاه و دشمنان آگاه، به بهره برداری ناصواب از آن دست یازیده اند.

7. بوروکراسی و فساد اداری

از جمله آفت های فرهنگی انقلاب، مشکلات و فساد دستگاه اداری است که سبب نارضایتی و یأس از رسیدن به اهداف انقلاب می شود، این آفت به شکل های گوناگون ظاهر می شود، مانند:

الف) کم کاری و فقدان مسئولیت پذیری

کار، مهم ترین عنصر تولید است. رشد اقتصادی نیز حاصل کار و تلاش مردم است. یکی از ویژگی های جهان سوم، بی علاقگی به کار و ارج ننهادن به تلاش و سازندگی است. در ایران نیز در بین بعضی از کارمندان، روحیه کار، نظم پذیری و احساس مسئولیت کم است. آنان به اهمیت وظیفه ای که دارند واقف نیستند. بنا بر آمار منتشره توسط سازمان امور اداری و استخدامی کشور، ساعات کار مفید در ادارات دولتی به جای 40 ساعت در هفته کم تر از 6 ساعت است.

ب) تعدد تشکیلات و تداخل مسئولیت ها

معمولاً در هر بخش از فعالیت ها، چند اداره یا نهاد شرکت دارند که نتیجه آن اسراف، استفاده نادرست از متخصصان موجود و دوباره کاری است. این مشکل بعد از انقلاب به صورت حادتری ظاهر شده است.

ج) سوء استفاده از قدرت و رشوه

سوء استفاده از قدرت و همچنین رشوه، از اموری است که موجب فساد فراوان می شود و عدالت اجتماعی را که از اهداف اصلی انقلاب اسلامی است، مخدوش می سازد. با پرداخت رشوه، کارها از غیر مجاری قانونی خود انجام می شود و همیشه آنان که از امکانات مالی برخوردار هستند، از فرصت های موجود بیشترین استفاده را می برند. البته این دو آفت در ممالک در حال توسعه، با توجه به گستردگی دامنه فعالیت های دولتی و ضعف دستگاه قضایی و نظارتی، بیشتر به چشم می خورد. این معضل اگر چه به طور کامل از بین نمی رود ولی با وضع قوانین جدید و ایجاد محدودیت و اعمال تنبیه می توان آن را کاهش داد.

پی نوشت ها:

1. جرعه جاری، ص 542.

2. پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی، ص 225.

3. همان، ص 217 - 229.

4. نظریه سیاسی اسلام، ص 52 - 53.

5. آیین انقلاب اسلامی، ص 121.

6. سوره آل عمران (3) آیه 104.